

## طیف سلطنت طلب، گروه فشار جدید در خارج کشور!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

طیف سلطنت طلب و مشروطه خواه، با حمایت همه جانبه اقتصادی، سیاسی و تبلیغی ماموران «سازمان سیا» و وزارت خارجه آمریکا، عنان گسیخته و با زبان زهرآلود و خشونت آمیز به هر کس و به هر جریان مخالف سیاست های خود و امپریالیسم آمریکا می تازند.

این طیف در تلاش است به هر ترتیبی شده، مبارزه مردم آزادی خواه و تحت ستم داخل و خارج ایران را به حساب خود بنویسد. انواع و اقسام سازمان و حزب و انجمن های چند نفره درست می کنند و با ماموران سازمان سیا، در حال بند و بست های مخفی و علنی هستند تا به سبک افغانستان و عراق «کنگره ملی» ایران را نیز به وجود بیاورند. این طیف خود را برای تشکیل رژیم بر روی ویرانه هایی که در اثر حمله نظامی احتمالی آمریکا و متحدانش در ایران، به وجود خواهد آمد، آماده می سازد و سیاست های خود را بر اساس خواست و نیاز آمریکا تنظیم می کند. بنابراین بی دلیل نیست که این طیف همواره نیروهای ضد جنگ و ضد سیاست های امپریالیستی را به زبان بسیار زشت و چندان آوری مورد حمله قرار دهد. تبلیغات و سیاست های برخی رادیوهای وابسته به طیف سلطنت طلب، طوری است که انسان از هم اکنون این احساس را پیدا می کند که اگر این طیف به حاکمیت برسد، بلافاصله همانند رژیم اجدادشان و رژیم جمهوری اسلامی، دسته دسته مخالفین خود را به جوخه های مرگ خواهد سپرد. اکنون رسانه های سلطنت طلبان، با حمایت مالی «سازمان سیا»، نه تنها به رقابت با همدیگر برخاسته اند، بلکه از هر فرصتی نیز استفاده می کنند تا دشمنی و خصومت خود را با مردم آزادی خواه، کمونیست ها و کلیه نیروهای ضد امپریالیست، ضد جنگ و ضد سرمایه داری نشان دهند. سخن گویان طیف سلطنت واقیعت ها را تحریف می کنند و برای شخصیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری پیشرو و مترقی پرونده سازی می کنند. برچسب های غیرانسانی و ناروا می زنند. مهم تر از همه این طیف نقش تخریب مبارزه طبقاتی کارگران، مردم محروم و تحت ستم و آزادی خواه ایران را که اکنون به مرحله حساس و سرنوشت سازی در جهت سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی رسیده است را ایفا می کند. برای مثال گوینده یکی از رادیوهای وابسته به طیف سلطنت در شهر استکهلم، بس شنیع تر از دیگر هم فکرائش چشم خود را می بندد و هر آن چه را که به دهانش می آید، نثار نیروهای چپ، کمونیست، ضد سرمایه داری، ضد جنگ، ضد امپریالیسم و انسان های آزادی خواه می کند.

همچنین این رادیو با استفاده از تجارب سرکوبگرانه ساواک و انصار حزب الله، افراد ناآگاه طرفدار سلطنت و یا گروه‌بان‌های ساواکی سابق را برای برهم زدن تظاهرات‌ها تحریک و تشویق می‌کند. در حالی که برگزاری هر گونه تظاهرات در کشوری مانند سوئد آزاد است و این طیف هم می‌تواند تظاهرات خود را برگزار کند، اما به دلیل این که کسی به فراخوان این‌ها پاسخ نمی‌دهد و جدی تلقی نمی‌شوند، دست به فحاشی و تخریب و ترور شخصیت همه جریان‌ها و کسانی را می‌زنند که به طور جدی و پیگیر برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی مبارزه می‌کنند.

در تظاهراتی که روز شنبه ۱۴ ژوئن، در دفاع از مبارزات مردم معترض و به ویژه دانش‌جویان ایران، توسط «کمیته همبستگی از جنبش دانش‌جویان ایران»، در میدان مرکزی شهر استکهلم، برگزار شد، چند نفری به شکل هیستریک وارد جمعیت پانصد نفری شدند و با باز کردن پرچم رژیم سلطنتی، سعی بر هم زدن این تظاهرات را داشتند که با درایت سیاسی و اجتماعی برگزارکنندگان این تظاهرات، حرکت تخریبی آنان خنثی شد و خوشبختانه درگیری رخ نداد. با وجود این که مسئولین کمیته همبستگی، از قبل در رادیوهای مختلف اعلام کرده بودند که هیچ جریانی با پرچم شرکت نکند، اما شعارهای «سرنگونی جمهوری اسلامی!»، «آزادی همه زندانیان سیاسی!»، «دانش‌جوی مبارز حمایت‌ات می‌کنیم!»، «از مبارزات مردم ایران دفاع کنید!» را بر روی هر رنگ پارچه و مقوایی دوست دارند، بنویسند و با خود داشته باشند و همچنین مجری مراسم از پشت بلندگو نیز اعلام کرد که این افراد سلطنت‌طلب، پرچم سازمانی خود را جمع کنند و در صورت تمایل می‌توانند در جمع حضور داشته باشند، باز هم آنان با پرخاشگری در اطراف جمعیت چرخیدند و فیلم‌برداری کردند تا اخیانا به تلویزیون‌های خود در آمریکا بفرستند و این حرکت را به نام خود ثبت کنند. این حرکت چند نفری سلطنت‌طلبان، با انزجار تظاهرکنندگان روبه‌رو گردید و تداعی کننده حملات حزب الله به میتینگ‌ها و جلسات و تظاهرات‌های اعتراضی در ایران شد. پس از تظاهرات نیز ساواکی‌های سابق با همکاری گوینده رادیوی مذکور به شیوه شعبان بی‌مخ، توهین‌های زشت و توهین‌آمیزی را علیه مسئولین تظاهرات راه انداختند که به لحاظ حقوقی نیز قابل پیگیری است. مدت‌هاست که گرداننده این رادیو، تمام تلاش خود را برای بسیج فاشیست‌ها و ساواکی‌ها به کار می‌گیرد تا ذهن مردم را نسبت به نیروهای آزادی‌خواه، ضد جنگ، چپ و کمونیست بدبین سازد و با آلوده کردن جو سیاسی، مردم را از حضور در تظاهرات‌ها و جلسات ایرانیان آزادی‌خواه استکهلم باز دارد و با دروغ و شانتاژ تعدادی را به حرکت‌های شرمگین خود جلب کند تا جیره و مواجش قطع نگردد. بنابراین حق طبیعی هر انسانی است که آزادانه و داوطلبانه در هر جلسه و تظاهرات عمومی شرکت کند، اما یک جریان سیاسی سالم، با زور پرچم و آرم و عکس و سرود خود را بدون اجازه سازمان‌دهندگان آن برنامه، تحمیل

نمی‌کند و به شیوه شعبان بی‌مخی و الله کرمی، تجمعات سیاسی و اجتماعی را بر هم نمی‌زند. شیوه‌ای که در سال‌های اول حاکمیت جمهوری اسلامی، طیف توده‌ای-اکثریتی در همکاری با حزب الله، بر علیه نیروهای چپ و کمونیست، در داخل و خارج کشور به کار می‌بردند، اکنون نیز طیف سلطنت‌طلبان به این شیوه سرکوبگرانه روی آورده‌اند. از این رو نباید گذاشت طیف سلطنت‌طلب، در تظاهرات‌ها و میتینگ‌هایی که بر علیه جمهوری اسلامی، در دفاع از مبارزات مردم حق‌طلب و به ویژه دانش‌جویان در این روزها برگزار می‌شود، پرچم خود را بالا ببرند و سوءاستفاده سیاسی کنند.

البته ناگفته نماند حزبی که به نام کارگر و کمونیست، هدفش را به هر بهایی برای سهیم شدن در قدرت قرار داده است، زمینه را برای باز شدن پای سلطنت‌طلبان، به تجمعات جریان‌های سیاسی اپوزیسیون آزادی‌خواه و بند و بست با آن‌ها آماده می‌سازد. اما این جریان و سلطنت‌طلبان باید بدانند که گرایش چپ، کمونیست و انسان‌دوست یک گرایش قوی و اجتماعی در داخل ایران و خارج کشور است که هم تجربه مبارزه با رژیم پهلوی و هم با رژیم جمهوری اسلامی را دارد، یعنی مردمی که رژیم پهلوی را سرنگون ساختند، این بار آگاه‌تر از گذشته برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه طبقاتی می‌کنند، هرگز اجازه نخواهند داد تجربه تلخ سیاست «همه با هم» سال ۱۳۵۷، تکرار شود و ثمره مبارزه و جان‌فشانی انسان‌های مبارز و انقلاب‌کارگران، توده‌های محروم، ستم‌دیده و آزادی‌خواه در کیسه بورژوازی بریزد.

تاریخ بشر، تاریخ مبارزه طبقات است و هر طبقه نیز برای منافع خود مبارزه می‌کند. بنابراین صف کارگران و توده‌های محروم جامعه، همواره و در همه حال و در هر شرایطی باید از صف جریان‌های بورژوازی، کاملاً متمایز و جدا باشد. از این رو ضروری است که جریان‌های اپورتونیست افشا و محکوم شود تا نتوانند پای سلطنت‌طلبان را به تجمعات نیروهای چپ و کمونیست و آزادی‌خواه بکشانند. همچنین نباید گذاشت چنین جریان‌هایی به نام «کارگر و کمونیست» منافع طبقاتی را قربانی منافع حقیر تشکیلاتی خود سازند. بنابراین حضور سیاسی جریان‌های سلطنت‌طلب در میان نیروهای چپ و آزادی‌خواه، نه تنها برای برگزارکنندگان تجمعات سیاسی و اجتماعی، بلکه حتا برای بسیاری از مردم معترض و آگاه نیز توهین‌آمیز، چندان‌آور و یادآور کودتای ۲۸ مرداد، اعمال وحشیانه ساواک مخوف، شکنجه‌ها و اعدام‌ها و دیکتاتوری و قدرقدرتی مطلق محمدرضا شاه و پدرش بر مردم ایران و زبونی و نوکری‌شان در مقابل دول آمریکا و انگلستان و غیره است. اگر هم برگزارکنندگان تجمعات در مقابل حضور جریان سیاسی سلطنت‌طلب کوتاه بیایند نیز توده مردم متعرض تحمل حضور سیاسی مشتکی ساواکی و جیره‌خوار سازمان سیا را در کنار خود ندارند. اخیراً آقای رضا پهلوی، در کانادا سخن‌رانی داشت، هنگامی که یکی از حضار نظر او را درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سؤال می‌کند، بلافاصله مسئولین جلسه و مامورین امنیتی، سؤال‌کننده را با خشونت از سالن بیرون

می‌کنند. در نتیجه فرهنگ سیاسی طیف سلطنت طلب، فرهنگ خشونت و دیکتاتوری و زور است و هنگامی که اکثریت مردم ایران، با احیای سلطنت مخالفند، این جریان تمام امید خود را به سازمان سیا و کاخ سفید دوخته است؛ اگر با حمایت آمریکا و متحدانش موقعیتی برای این‌ها فراهم شود، بدون شک انتقام خونینی از توده‌های مردم معترض و آزادی‌خواه و به ویژه فعالین جنبش کارگری و کمونیستی خواهند گرفت. سلطنت طلبان، برای احیای سلطنت در ایران، به حمایت و پشتیبانی اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغی آمریکا نیاز دارند، از این رو دولت آمریکا، از این جریانات، به عنوان کنتررا استفاده می‌کند و آن‌ها را در راستای اهداف و منافع امپریالیستی خود سازمان می‌دهد. بنابراین در این برهه از زمان منافع و اهداف دولت آمریکا و طیف‌های مختلف سلطنت طلبان و مشروطه خواهان و بخش‌هایی از جمهوری خواهان در حمله نظامی احتمالی آمریکا به ایران، با هم گره خورده است. بدین ترتیب تحرک و تلاش این طیف ربطی به مبارزه توده‌های محروم و ستم دیده ایران، بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ندارد، به همین دلیل کارگران و کمونیست‌ها و مردم آزادی‌خواه، باید در این مورد هوشیاری و آمادگی لازم برای مقابله با شرایط غیرقابل پیش‌بینی را داشته باشند اجازه ندهند این طیف با رادیوها و تلویزیون‌های اهدایی سازمان سیا، مبارزه طبقاتی در ایران خارج کشور را قبضه و تخریب کنند. این طیف به طور غیرمستقیم به جمهوری اسلامی یاری می‌رساند تا در سرکوب اعتراضات مردم معترض خشونت بیشتری به خرج دهد. بورژوازی ایران، از تهران، تا لوس آنجلس، در سرکوب مبارزه طبقاتی ضد سرمایه‌داری منافع مشترک دارند. آن هم در شرایطی که وضعیت ایران، متحول است، جمهوری اسلامی در باتلاق بحران و بن‌بست گیر کرده است و اعتراض کارگران، معلمان، پرستاران، دانش‌جویان و مردم آزادی‌خواه در حال اوج‌گیری است، رسانه‌های طیف سلطنت طلب، در راستای سیاست‌های دولت آمریکا، که در پشت پرده با جمهوری اسلامی، در حال معامله است، بسیار نقش تخریبی دارد.

جمهوری اسلامی، باید برود، آرزوی اکثریت مردم ایران است، اما بند و بست آمریکا با جمهوری اسلامی و طیف طرفدار سیاست‌های دولت آمریکا، مانند سلطنت طلبان می‌تواند حداقل برای دوره‌ای آسیب‌های غیرقابل جبرانی به مبارزات توده‌های به پا خواسته و جان به لب رسیده ایران برساند. از این رو نباید نسبت به ائتلاف‌ها و نزدیکی‌های گرایش‌های مختلف بورژوازی ایران، متوهم شد و نسبت به مبارزه و منافع طبقاتی بی‌تفاوت گردید. پرواضح است که اگر هر حزب و سازمانی و شخصیت سیاسی، فرهنگی و هنری، با هر انگیزه‌ای به طیف سلطنت طلبان نزدیک شود، بدنام و قربانی خواهد شد.

لازم به تاکید است که بحث در این جا ادا بر سر افراد نیست که احیانا تعلق سیاسی به طیف سلطنت دارند، بلکه روسا و مسئولین سلطنت طلبان، جدا از مزدوری آمریکا، از هم اکنون در همین کشورهای

غرب، به زور می‌خواهد خود را به تجمعات و تظاهرات‌های خارج کشور تحمیل کند تا خود را در نزد پنتاگون و کاخ سفید فعال نشان دهند تا منافع اقتصادی، سیاسی‌شان به خطر نیفتد. بنابراین اتکا طیف سلطنت‌طلبان نه مردم ایران، بلکه به سازمان سیا است. وقایع تاریخی، همواره باید مانند آینه در مقابل چشمان مردم قرار گیرد تا مبارزاتشان مورد سوءاستفاده قرار نگیرد. بنابراین باید محکم و قاطعانه نقش تخریبی جریانات و گروه‌های سیاسی سلطنت‌طلبان برای برهم زدن تجمعات را شنیدند محکوم کرد. سلطنت‌طلبان باید بدانند که اکثریت مردم ایران و فعالین سیاسی خارج از کشور، با این طیف به لحاظ سیاسی، طبقاتی و تاریخی مسئله دارند و هنوز هم آثار دیکتاتوری، شکنجه‌های ساواک شاه، جسم و روان‌شان را می‌آزارد. مردم ایران، عملکرد غیرانسانی و دیکتاتوری حاکمیت بیش از پنج دهه پهلوی را هنوز فراموش نکرده‌اند. رهبری جریانات سلطنت‌طلبان با ژنرال‌ها، ساواکی‌ها و وزاری اطلاعات است که اکنون در غرب و در اپوزیسیون ادای «دمکراسی» درمی‌آورند، در سرکوب، شکنجه و اعدام مخالفین نقش مستقیم داشتند و اگر هم احتمالا با حمایت آمریکا، به قدرت برسند، هم‌چنان سیاست‌های غیرانسانی رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی را در سرکوب و کشتار، شکنجه و زندان، اعدام و ترور، سانسور و اختناق ادامه خواهند داد. تنها با افشاگری سیاسی می‌توان اهداف شوم و نقش مخرب این طیف، بر علیه اپوزیسیون ضد سرمایه‌داری، ضد جنگ، عدالت‌جو، برابری طلب و آزادی‌خواه را افشا کرد و نباید گذاشت این طیف از انزوای سیاسی خارج شود.

طیف سلطنت‌طلب، برای خروج از انزوا، به پرچم به عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاستش و برای برهم زدن تجمعات نیاز دارد و با تحریک احساسات ناسیونالیستی می‌خواهد خود را به زور پرچم به تجمعات اعتراضی تحمیل کند. در حقیقت امروز ما با پرچم سه رنگ بی‌آرم و با آرم‌های گوناگونی روبه‌رو هستیم: پرچم سه رنگ با آرم شیروخورشید، با آرم الله، و با آرم... بنابراین از نظر هر انسان متمدن، چپ، کمونیست و انسان‌دوست، پرچم، نه مقدس است و نه نشان‌دهنده هویت مردم یک کشور، بلکه پرچم پرستی تفاوت‌چندانی با شاه‌پرستی، قوم‌پرستی، بت‌پرستی و پرستش قدرت‌های خرافی مافوق بشر ندارد. آن‌چه که باید مورد احترام قرار گیرد هویت و حرمت انسانی است و بس! در حالی که حرمت انسان‌ها، همواره از سوی این طیف زیر سؤال می‌رود. نباید فراموش کرد که زیر پرچم سه رنگ با آرم شیروخورشید و الله، صدها هزار انسان شکنجه و اعدام شده‌اند و همواره ملیت‌های مختلف ایران، مورد تحقیر، توهین و سرکوب قرار گرفته‌اند. دیدن چنین پرچمی داغ بسیاری از انسان‌هایی را که عزیزانشان را رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی به قتل رسانده است تازه می‌کند و احساسات انسانی‌شان جریحه‌دار می‌سازد. پس پرچمی که سلطنت‌طلب‌ها به زور می‌خواهند در تجمعات هوا کنند، نه عامل وحدت و همبستگی مردم ایران، بلکه عامل تفرقه، دشمنی و اختلاف است. از سوی دیگر اگر به افکار و آرای مردمی که اراده کرده‌اند رژیم جمهوری اسلامی را روانه

گورستان تاریخ کنند، همان طور که رژیم پهلوی را روانه آن جا کردند، در صورت لزوم نوع پرچم و رنگ و آرم آن را نیز خودشان انتخاب خواهند کرد. پس چه لزومی دارد سلطنت طلبان، در یک حرکت اعتراضی علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در پشتیبانی از مبارزات مردم آزادی خواه ایران، نه توسط خودشان بلکه توسط دیگران برگزار می شود، آن هم به زور و به بهای درگیر شدن با مردم معترض و برگزارکنندگان، پرچم سازمانی خود را بالا ببرند؟! آیا این حرکت سلطنت طلبان، با حرکت های وحشیانه انصار حزب الله چه تفاوتی دارد؟ پشت پرچم قایم شدن و احساسات ناسیونالیستی را تحریک کردن و شیوه تبلیغات مملو از تحریف و دروغ را به کار گرفتن، همگی نشان دهنده این واقعیت است که مخالفت چندانی با جمهوری اسلامی ندارند و مخالفت شان با نیروهای آزادی خواه، چپ و کمونیست است. همچنین شایان ذکر است که تا یکی دو سال پیش بسیاری از روسا و مسئولین طیف سلطنت طلب و مشروطه خواه مشغول معامله با جناح ها و سفرای جمهوری اسلامی و به فکر پول و معامله بودند، اکنون با تغییر سیاست های پنتاگون و کاخ سفید با رژیم جمهوری اسلامی، فعلا سازمان سیا امکانات مالی و تبلیغی زیادی در اختیار رضا پهلوی و رسانه های سلطنت طلب قرار داده است تا از این طریق جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد. در نتیجه طیف سلطنت طلبان، مشروطه خواهان و بخش های از جمهوری خواهان، نه در راستای اهداف سیاسی و اجتماعی مردم محروم و تحت ستم و آزادی خواه ایران، بلکه در راستای اهداف و سیاست های سازمان سیا فعالیت می کنند. چنین سیاستی در تاریخ ایران، سابقه طولانی دارد و دست کم از کودتای رضاخان میرپنج آغاز می شود، با کودتای سازمان سیا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه می یابد و اکنون نیز این نقش را رضا پهلوی و جریانان وابسته به تفکر او ایفا می کنند. بدین ترتیب سرنوشت و فعالیت طیف سلطنت طلب، به سیاست های سازمان سیا، بستگی دارد. قطعاً اگر منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی دولت آمریکا، ایجاب کند، نه تنها سلطنت طلبان، بلکه هر نیروی دیگر را نیز قربانی می کند.

البته ناگفته نماند که سیاست امروزی آمریکا، نه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، بلکه بند و بست نهان و آشکار با این رژیم است. همان طور که گفتیم فعلاً آمریکا، از طیف سلطنت طلب و مشروطه خواهان و بخش هایی از جمهوری خواهان، به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی در پیشبرد معاملاتش با رژیم جمهوری اسلامی استفاده می کند تا این رژیم را با سیاست های خود در منطقه خاورمیانه همگام سازد. در عین حال دولت آمریکا، همواره بر روی گرایشات راست که با سیاست های عمومی اقتصادی، سیاسی و نظامی اش خوانایی داشته باشد، برای روز مبادا روی آن ها سرمایه گذاری می کند و برایش فرقی نمی کند که این گرایشات ملی است یا مذهبی؛ طالبان است یا جمهوری اسلامی؛ جمهوری خواه است یا سلطنت طلب؛ مهم پذیرفتن نوکری و حقوق بگیری سازمان سیا است.

بی شک تاریخ آینده ایران، نه احیای سلطنت و تغییر رنگ جریانان ارتجاعی اسلامی، بلکه تاریخ

جدیدی است که پرچم آن آزادی، برابری، شادی، رفاه و انسانیت است. این تاریخ هنگامی واقعیت پیدا خواهد کرد که جمهوری اسلامی، نه با حمله نظامی آمریکا و متحدانش، بلکه با جنبش توده‌های معترض و با مبارزه طبقاتی ضد سرمایه‌داری سرنگون شود و کارگران، مردم محروم و تحت ستم سرنوشت خود را به دست خویش رقم بزنند و حکومت دل‌خواه خود را در فضایی آزاد و برابر انتخاب کنند.

۱۷ ژوئن ۲۰۰۳